

## چشم طمع آمریکا به حوادث پس از انتخابات 88



روزنامه "بوستون گلوب" آمریکا نیز درباره دلایل حمایت کاخ سفید از آشوبگران می‌نویسد که دولت اوباما امیدوار است حوادث پس از انتخابات و افزایش شکاف در ایران، منجر به امتیازدهی جمهوری اسلامی به آمریکا شود.

روزنامه "بوستون گلوب" آمریکا نیز درباره دلایل حمایت کاخ سفید از آشوبگران می‌نویسد که دولت اوباما امیدوار است حوادث پس از انتخابات و افزایش شکاف در ایران، منجر به امتیازدهی جمهوری اسلامی به آمریکا شود.

برای واکاوی حوادث و فتنه پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری 88 برآنیم که ساختار، شاکله و اهداف مسبین این غائله که هزینه‌های گزاف مادی و معنوی برای نظام مقدس جمهوری اسلامی در بر داشته‌اند را مورد بررسی قرار دهیم. از همین رو پس از بررسی "شکل‌گیری و برخی مؤلفه‌های ایدئولوژی تجدیدنظرطلبان"، "راهبرد تبلیغاتی و گفتمان انتخاباتی میرحسین موسوی"، "گفتمان محمود احمدی‌نژاد از انتخابات نهم تا دهم ریاست جمهوری"، "بررسی نتیجه انتخابات دهم ریاست جمهوری با روش "تحلیل گفتمانی"، "شواهد آگاهی جبهه دوم خرداد از سلامت انتخابات" و "شورش بر جمهوریت" به فصل هشتم یعنی "نقش و تلاش دولت‌های بیگانه و اپوزیسیون" می‌پردازیم:

### الف. ایالات متحده آمریکا

درباره مواضع سیاسی دولتمردان غربی نیز باید گفت که در دوره اخیر انتخابات ریاست جمهوری شاهد موضع‌گیری‌ها و اظهارنظرهای متفاوتی از سوی دولتمردان و تحلیل‌گران برجسته آمریکایی بوده‌ایم. رویکرد آنها در قبال انتخابات ایران ابتدا محافظه‌کارانه و سپس تشکیک بوده است و با توجه به تجربه‌های تاریخی در روابط ایران و آمریکا و نیز مشاوره‌ای که از گروه‌های اپوزیسیون و تجدیدنظرطلب ایرانی دریافت می‌کنند، ابتدا تلاش کردند خود را بی‌طرف نشان دهند و به گونه‌ای رفتار نکنند که شائبه دخالت در امور داخلی و یا روند برگزاری انتخابات ایجاد شود. بر این اساس، آنان با لحاظ کردن جدی روانشناسی ایرانیان و پرهیز از نوع رفتارهای دولت بوش، به ظاهر از هیچ کاندیدایی حمایت نکردند تا جایی که باراک اوباما در یکی از اظهارنظرهای خود گفت که برای آمریکا تفاوتی بین احمدی‌نژاد و موسوی نیست. البته چنان که خواهیم دید رسانه‌های غربی و آمریکایی در روزهای پیش از انتخابات گرچه خود را بی‌طرف نشان می‌دادند اما با برجسته‌کردن محور سیاست "احمدی‌نژاد ستیزی" عملاً به مخاطب القا می‌کردند که به کسی جز او رای دهد. از سوی دیگر، گرچه در پیش از انتخابات و روزهای نخست پس از آن، موضع‌گیری‌ها بیشتر توسط تیم اوباما گرفته می‌شد، اما به تدریج نقش آنها کم شد و بیشترین مواضع توسط خود اوباما مطرح شد. در واقع اعلام مواضع برجسته آمریکا در قبال ایران در دوره پیش از انتخابات بیشتر توسط اوباما انجام گرفته است و مخاطب اصلی وی نیز رهبران ایران بوده‌اند. او چند روز پس از انتخابات ریاست جمهوری گفت: انتخابات رهبران، وظیفه خود ایرانیان است، اما من درباره وقایع ایران نمی‌توانم سکوت کنم و عمیقاً نگران خشونت‌ها هستم. وی هر چند مدعی شد به حق حاکمیت ملی ایران احترام می‌گذارد، اما اضافه کرد: هیچ راهی برای تأیید صحت انتخابات ایران وجود ندارد و آمریکا کسانی برای نظارت بر این انتخابات در ایران نداشته است. اوباما همچنین با بیان این که "جهان بدون در نظر گرفتن نتیجه انتخابات، نظاره‌گر وقایع ایران است و از مشارکت مردمی الهام گرفته است" گفت: ما دیپلماسی سرسختانه‌ای را در قبال ایران دنبال خواهیم کرد. اوباما که پس از تظاهرات غیرقانونی طرفداران موسوی در دوشنبه 25 خرداد 1388 انگیزه و جرأت بیشتری برای اظهارنظر درباره مسایل ایران را یافته بود در مصاحبه با شبکه "سی ان بی سی" گفت: به هر حال ما قصد داریم با رژیم در ایران برخورد کنیم که به لحاظ تاریخی دشمن آمریکا بوده و مشکلات زیادی را برای کشورهای همسایه خود به وجود آورده و به دنبال دستیابی به تسلیحات هسته‌ای بوده است. او تصریح کرد: وقتی خشونت علیه تظاهرکنندگان آرام را می‌بینیم، وقتی اختلاف نظرهای توأم با آرامش سرکوب می‌شود در هر جایی که اتفاق بیفتد برای من نگران‌کننده است. (1)

اوباما در مصاحبه با "سی‌بی‌اس" نیز افزود: "صدای مردم ایران باید شنیده شود و نباید خاموش شود. اما مداخله ما با توجه به تاریخ روابط دو کشور سازنده نیست. من قبلاً هم گفته‌ام عمیقاً نگران انتخابات ایران هستم". او در این مصاحبه مدعی شد تظاهرکنندگان ایرانی فقط در پی عدالت هستند و افزود: "ما از کسانی که در پی عدالت از یک راه مسالمت‌آمیز هستند پشتیبانی می‌کنیم و من می‌خواهم تکرار کنم که ما در کنار کسانی که متوجه راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای این کشمکش خواهند بود، می‌ایستیم."

سیاست خارجی آمریکا آن چنان که در اظهارات اوباما نیز آشکار بود در پی موقعیتی می‌گشت که سیاست‌های خود را پیرو خواست جامعه ایران نشان دهد. به این معنا که مشروعیت سیاست‌های ایالات متحده در قبال ایران را به خواست ایرانیان منوط کند. گویی این کشور هیچ مداخله‌ای در امور داخلی ایرانیان نکرده است و آنچنان که اوباما می‌گفت "منتظر هستیم تا ببینیم ایرانیان چه تصمیمی می‌گیرند"، دولت آمریکا تنها تماشاگر صرف این حوادث بوده است. لذا او در مصاحبه فوق مدعی بود که: "ما معتقدیم صدای مردم ایران باید شنیده شود و این یک ارزش جهانی است که مردم و دولت آمریکا هوادار آن هستند. من براساس محتوا و

لحن بیانیه‌های منتشر شده بسیار نگران این هستم که دولت ایران متوجه باشد که جهان این کشور را زیر نظر دارد و چگونگی رویکرد و تعامل با مردم ایران که از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز در تلاش هستند درخواست آنها شنیده شود، به نظر من يك علامت کاملاً روشن به جامعه جهانی درباره آنچه ایران است و آنچه ایران نیست، ارسال می‌کند " او مدعی شد "آخرین نکته‌ای که می‌خواهم به آن بپردازم آن است که این يك مسئله آمریکا یا غرب در مقابل ایران نیست. این مسئله مردم ایران است و این حقیقت که تظاهرکنندگان در خیابان‌ها تحت خشونت کاملاً شدید و در خطری عظیم برای آنها قرار دارند، نشانه‌ای است مبنی بر این که چیزی در این جامعه هست که می‌خواهد باز شود ". (2)

نکته قابل تأمل پس از اظهارات اوباما اعتراض جریان نئومحافظه‌کار به وی بود. برای مثال سناتور "جان مک‌کین" رقیب جمهوری‌خواه اوباما در انتخابات سال گذشته آمریکا واکنش بارک اوباما به مسایل ایران را ضعیف دانست و از وی برای کنار گذاشتن به اصطلاح اصول بنیادین آمریکا به شدت انتقاد کرد. همچنین "اریک کاننور" فرد شماره دو حزب جمهوری‌خواه در مجلس نمایندگان آمریکا نیز انتقاد کرد که "سکوت آنها در خصوص مسئله نقض حقوق بشر برای من بسیار نگران‌کننده است".

وی افزود: "آمریکا مسئولیت اخلاقی دارد که از حقوق بشر در سراسر جهان دفاع کند و موارد نقض حقوق بشر را در تهران محکوم کند. البته در پاسخ به این انتقادهای نئومحافظه‌کاران "جان کری" سناتور با نفوذ حزب دموکرات در سرمقاله نیویورک تایمز با عنوان "فکر کن" نوشت: "همه ما از تظاهرات مسالمت‌آمیز در ایران که نمونه آن را در سه دهه گذشته در این کشور مشاهده نکرده بودیم تحت تأثیر قرار گرفته‌ایم. با مشاهده تصاویر ویدئویی حمله نیروهای بسیجی به معترضان و سوسه می‌شویم که واکنشی احساسی نشان دهیم. "کری تأکید کرد نباید به احمدی‌نژاد فرصت دهیم که کودتای سال 1953 (28 مرداد 1332) را که مورد حمایت آمریکا بود و به سرنگونی محمد مصدق، نخست‌وزیر وقت ایران و بازگشت محمدرضا پهلوی شاه ایران به قدرت منجر شد به یاد مردم بیاورد.

نیکلاس برنز، معاون سیاسی وزیر سابق امور خارجه آمریکا نیز با تحسین مواضع اوباما در قبال انتخابات ایران گفت: "فکر می‌کنم اوباما به تعادل لازم رسیده است. از سویی وی آشکارا از تمجید اصلاح‌طلبان حرف زده است و این که ما رویدادهای ایران را با توجه بسیار پیگیری می‌کنیم و از سوی دیگر وی به مسئله بسیار مهمی به ویژه پس از سخنرانی در قاهره اشاره کرده است؛ این که ایرانی‌ها خود باید تصمیم‌گیری کنند. برنز افزود: "فکر می‌کنم در تاریخ روابط ایران و آمریکا چنین موضوعی به اندازه کافی حساسیت دارد برای درک این موضوع که اگر اوباما با صراحت بیشتری از اصلاح‌طلبان حمایت می‌کرد و برخورد تهاجمی‌تری در این زمینه داشت چنین اقدامی به زبان اصلاح‌طلبان تمام می‌شد. " (3)

از سوی دیگر، "پل ولفوویتز"، معاون وزیر جنگ در دولت بوش که از نظریه‌پردازان کلیدی نئومحافظه‌کار و از طراحان اصلی جنگ عراق بود در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان گفت: "به نظر من لازم است که آمریکا با موسوی تماس مستقیم بگیرد. البته اگر او مایل به ارتباط نباشد، نباید ما اصرار کنیم. اما در هر حال بهتر است او بداند که می‌تواند يك خط ارتباط مستقیم با ما داشته باشد. " وی که به صهیونیست بودن و ارتباط با اپوزیسیون ایرانی مقیم خارج مشهور است در تأیید سخنان اوباما گفت: "من این نگرانی را می‌فهمم. ما نباید به گونه‌ای عمل کنیم که به مخالفان حکومت ایران برچسب عوامل داخلی [آمریکا در] ایران بخورد. اما مخالفان حکومت به طور کاملاً روشن نشان داده‌اند که خواهان حمایت و کمک جهان هستند. " ولفوویتز تأکید کرد که آمریکا باید به اتفاق دیگر کشورهای غربی و حتی برخی متحدین خود در منطقه يك اعتراض جهانی به این وضع راه‌اندازی کرده و از مردم ایران حمایت کند. او همچنین موسوی را "مردی بسیار شجاع" دانست که "در حال مقاومت است و جان خود را در معرض خطر قرار داده است". (4)

البته همگام با مواضع دولتمردان آمریکا، کنگره این کشور نیز به اقداماتی علیه ایران دست زد. درست چند روز پس از انتخابات، دو مجلس کنگره آمریکا قطعنامه‌های شدیداللحنی بر ضد ایران و حمایت از آشوبگران صادر کردند. همچنین وزارت خارجه آمریکا نیز در اوج ناآرامی‌های پس از انتخابات در نامه‌ای به مسئولین سایت توئیتر خواستار به تعویق افتادن عملیات به روزرسانی سایت به جهت اهمیت این سایت در انتقال اخبار ایران شد و در اقدامی دیگر که به شدت مورد حمایت کنگره نیز قرار گرفت به گروه‌های مخالف ایرانی فعال در حوزه به اصطلاح توسعه دموکراسی، کمک‌های مالی قابل توجهی تخصیص داد. سنا آمریکا نیز طرحی را به تصویب رساند که به موجب آن 50 میلیون دلار برای مقابله با سانسور فضای اینترنت و گسترش فضای آزاد اطلاع‌رسانی در ایران هزینه شود. در این قانون که نام "قربانیان سانسور در ایران" را بر آن گذاشته‌اند، بودجه‌ای سی میلیون دلاری برای گسترش فعالیت بخش فارسی رادیو اروپایی آزاد (راديو فردا) و شبکه‌های ماهواره‌ای صدای آمریکا و نیز باز کردن راه‌های اینترنتی از طریق سایت‌هایی مانند فیس بوک و توئیتر برای معترضان ایرانی در نظر گرفته شده است. قرار شد بیست میلیون دلار دیگر این طرح نیز برای ایجاد راه‌های ارتباطی جدید ایرانیان و رخنه در فضای سانسور و فیلترینگ فضای وب در ایران هزینه شود. در این طرح همچنین پنج میلیون دلار به وزارت امور خارجه اختصاص داده شد تا در زمینه تهیه گزارش از موارد نقض حقوق بشر در ایران به ویژه پس از ناآرامی‌های اخیر پس از انتخابات ریاست جمهوری هزینه کند. در این طرح سنا همچنین از اوباما خواسته شده بود تا لیستی از شرکت‌هایی را که به دولت ایران ابزارهای کنترل فضای اینترنت و دیگر ابزارهای سانسور فضای اطلاع‌رسانی را فروخته‌اند تهیه کرده و این شرکت‌ها را از پروژه‌های دولتی آمریکا کنار بگذارد. قبلاً هم تلاش‌های شدیدی برای تحریم شرکت‌های نوکیا و زیمنس به دلیل آن چه که فروش تجهیزات جاسوسی و نظارتی بر شبکه‌های ارتباطی به حکومت ایران و برضد مردم معرفی شد، انجام گرفت. (5)

در بیان مداخله آمریکا در مسئله انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران و حوادث پس از آن، هفته‌نامه آمریکایی "امریکن فری پرس" به قلم دکتر "رافائل جانسون" می‌نویسد: سیا از زمان کودتای سال 1953 که برای سرنگونی دولت مصدق انجام شد در تحرکات برای تغییر حکومت ایران مشارکت داشته است. به طوری که هم‌اکنون احتمال همکاری برخی حامیان میرحسین موسوی با سازمان جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی وجود دارد. براساس این گزارش، در انتخابات اخیر محمود احمدی‌نژاد با 63 درصد آرا پیروز شد، اما در شیوه‌ای قابل پیش‌بینی مخالفان ادعای تقلب کردند که روشی قدیمی به شمار می‌رود. حزب‌هایی که حمایت آمریکا را به دنبال داشته‌اند در گذشته نیز در کشورهایی چون گرجستان، اوکراین، ازبکستان، بلاروس و صربستان به همین ترتیب عمل کرده‌اند. (6)

همین مطلب را "میدل ایست آن‌لاین" به قلم "پل کریگ رابرتز" چنین می‌آورد: "روشی که غرب همواره برای کنترل خاورمیانه به کار برده جذب و خرید سیاستمدارانی است که از قدرت خارج شده‌اند." او می‌نویسد: "روش غرب در خاورمیانه همواره خرید سیاستمداران خارج از قدرت و حمایت از آنها برای روی کار آمدن دوباره و سرنگونی دولت‌های غیروابسته است." این مقاله با بر شمردن نام برخی سیاستمداران ایرانی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در انتخابات ریاست جمهوری ایران با ناکامی مواجه شدند، می‌افزاید: "یکی از فرض‌های منطقی در خصوص وقایع اخیر ایران این است که این افراد در کنار آمریکا هستند تا بتوانند دوباره به قدرت برسند. زیرا هر دوی آنها در انتخابات باخته‌اند. اگر این‌گونه باشد انقلاب برای آنها فقط به معنای کسب قدرت است نه چیز دیگر. البته برخی از آنها انگیزه کافی برای سرنگونی دولت را دارند. رسانه‌های آمریکا بدون وجود این نامزدهای شکست‌خورده (کروبی و موسوی) نمی‌توانستند انتخابات ایران را با شیوه تقلب مواجه کنند و به دنبال آن فشار برای انزوای دولت ایران را افزایش دهند، یا مقدمات حمله به این کشور را تسهیل کنند. (یعنی همان تهدیدی که چند ماه بعد اوباما برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران انجام داد). اکنون غیر از آمریکا، اسرائیل هم ایران را تهدید به حمله نظامی می‌کند. آمریکا و اسرائیل به دنبال سلطه بر منطقه و تشکیل اسرائیل بزرگ هستند. آمریکا قصد دارد با سلطه جهان، خود تعیین کند که چه کسی باید کجا حکومت کند. آیا برخی سیاستمداران ایران قصد نابودی و تخریب ایران را دارند؟! " (7) این سیاستمدار سابق آمریکایی همچنین در گزارشی تحلیلی که در پایگاه اینترنتی "کامن دریمز" منتشر کرد به افشای بخشی از اقدامات دولت آمریکا در طراحی و پیشبرد آشوب‌های پس از انتخابات در ایران پرداخت که به شدت مورد توجه نشریات انتقادی ایالات متحده قرار گرفت. رابرتز در این گزارش می‌نویسد: "درصد کمی از مردم می‌دانند چه کسانی در رأس حکومت کشورهایی مانند فرانسه، آلمان و انگلستان قرار دارد. در حالی که بسیاری از آمریکاییان با نام "محمود احمدی‌نژاد" به عنوان رئیس جمهور کنونی ایران آشنا هستند. زیرا رسانه‌های آمریکایی هر روز اقدام به ایجاد هجمه تبلیغاتی علیه احمدی‌نژاد می‌کنند و وی را خطرناک معرفی می‌کنند." رابرتز پیگیری این سیاست را نشان از نادانی ایالات متحده می‌داند، زیرا به اعتقاد او رئیس جمهور ایران تنها تصمیم‌گیرنده این کشور نیست و هیچ یک از رهبران سیاسی ایران نمی‌خواهند که انقلاب ایران توسط پول‌های آمریکایی و در پوشش انقلاب‌های رنگی مورد آسیب قرار گیرد. این مقاله در اشاره به دخالت‌های آمریکا در انتخابات دهم ریاست جمهوری می‌نویسد: "رسانه‌های تحت کنترل دولت آمریکا که می‌توان آنها را ابزار تبلیغات و پروپاگانداي آمریکا نامید به انتخاب مجدد محمود احمدی‌نژاد واکنش نشان داده و با پخش بدون وقفه گزارش‌ها از اعتراضات داخلی ایران کوشیدند تا بروز تقلب در انتخابات ایران را به جهانیان القا کنند. اما رسانه‌های آمریکایی در حالی می‌کوشند انتخابات ایران را بدون هیچ دلیل و مدرکی بی‌اعتبار معرفی کنند که تنها واکنش به تقلب‌های مستندی که در جریان اولین دور انتخابات جرح‌بوش به ریاست جمهوری آمریکا وجود داشت، انکار آن بود." وی ادامه می‌دهد سران کشورهای وابسته‌ای همچون بریتانیا و آلمان نیز به خط عملیات تبلیغات روانی آمریکا وارد شده‌اند. به طوری که دیوید میلی‌بند، وزیر خارجه انگلستان در دیدار وزرای اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ نسبت به صحت پیروزی احمدی‌نژاد ابراز تردید کرد. از سوی دیگر، مرکل، صدراعظم آلمان نیز از سفیر ایران خواست تا "شفافیت بیشتری" در انتخابات ایران ایجاد شود.

رابرتز در واکنش به اظهارات افراطی برخی گروه‌های تندرو آمریکایی که انتخابات ایران را "کودتا" نامیده بودند، پرسید منبع اطلاعاتی رسانه‌های آمریکایی و دولت‌های وابسته به آمریکا در این موضوع چیست؟ این منبع چیزی نیست جز اظهارات کاندیدای شکست خورده ایران که آمریکا نیز ترجیح می‌داد وی پیروز انتخابات باشد. این در حالی است که نتایج منتشر شده از نظرسنجی‌های مستقل صورت گرفته توسط "مرکز غیرانتفاعی نظرسنجی عمومی" و "مؤسسه نیو امریکن فاندیشن" چند هفته مانده به انتخابات خبر از برتری احمدی‌نژاد داده بودند. رابرتز سپس با اشاره به کمک‌های آمریکا به اغتشاشگران می‌نویسد: "گزارش‌های زیادی وجود دارند که از برنامه دولت آمریکا برای بی‌ثبات‌سازی ایران خبر می‌دهند." طبق یکی از این گزارش‌ها، ژنرال "میرزا اسلم بیک"، رئیس سابق ارتش پاکستان اعلام کرد: اسناد بی‌چون و چرایی وجود دارد که بر دخالت آمریکا در قضایای انتخابات ایران دلالت دارند. این اسناد "ثابت می‌کند که سازمان سیا چهارصد میلیون دلار در داخل ایران به منظور بروز یک انقلاب مخملی پس از برگزاری انتخابات، هزینه کرده است." رابرتز با اشاره به انقلاب مخملی در کشورهایی چون گرجستان و اوکراین می‌نویسد: "چنین احتمالی مطرح است که کاندیدای شکست خورده در ایران یعنی میرحسین موسوی به عنوان اجراکننده خواسته‌های آمریکا خریداری شده و پول دریافت کرده باشد." دستیار سابق وزارت خزانه‌داری آمریکا می‌افزاید: "در صورتی که عاقلانه به انتخابات ایران بنگریم باید از ایرانیان پرسید که اگر کشور شما از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی به طور مداوم تهدید به جنگ و یا حتی حمله هسته‌ای شود، آیا شما ترجیح می‌دهید که بهترین مدافع خود را رها کنید و کسی را انتخاب کنید که از سوی آمریکا و اسرائیل ترجیح داده شده است؟" وی سپس خطاب به مدعیان تقلب در انتخابات ایران می‌گوید: "آیا شما باور می‌کنید که مردم ایران به کسی رأی دهند که ایران را به کشوری تبدیل کند که

تحت نفوذ آمریکا باشد؟ " وی می‌نویسد: "تنها درصد کمی از جوانان ایران هستند که به راحتی توسط پول‌های آمریکا سازماندهی می‌شوند تا با دولت ایران و موازین اسلامی این نظام به مخالفت بپردازند. در حقیقت آمریکا از ایرانیان غرب‌گرا برای بی‌اعتبار ساختن انتخابات و دولت ایران بهره می‌برد. " وی سپس چنین می‌آورد: "من به عنوان کسی که تمامی قضایا را از داخل دولت آمریکا می‌بینم می‌گویم که باور دارم هدف نهایی آمریکا از به کارگیری رسانه‌های وابسته برای مخالف نشان دادن دولت ایران با مردم این کشور و بی‌اعتبار نشان دادن انتخابات ایران است. "(8)

رابرتز در مقاله دیگری نوشت: "ما هم‌اکنون شاهد تلاش‌های آمریکا برای برقراری انقلاب مردمی در ایران به رهبری سیا، که در واقع همان انقلاب مخملی است، هستیم. دخالت آمریکا و اطلاعات غلطی که به صورت هماهنگ توسط رسانه‌های غربی منتشر شد، برای ما مشخص کرد که دولت یا فردی این روند را هدایت می‌کند. از سوی دیگر نیز نمی‌توانیم فراموش کنیم که غرب همواره خواستار این بود که انقلاب 1979 ایران را به هر نحو ممکن سرنگون کند و البته برای رسیدن به این هدف از هیچ اقدامی از جمله فریب‌کاری و حتی حمله فروگذار نکرد. باور کردن این موضوع نیز روز به روز دشوارتر می‌شود که رسانه‌های غرب تنها به دلیل شرایط واقعی موجود، چنین پوشش گسترده‌ای به این رخداد می‌دهند. براساس گزارش منابع متنوع که از انتخابات ایران گزارش ارایه می‌دادند، پیش از پایان شمارش آرا و بدون هیچ‌گونه مدرک مستدلی، آقای موسوی خودش را پیروز نامیده بود و هرگونه نتیجه را قبل از اعلام به چالش کشید. در حالی که موسوی به عنوان یکی از مردان هاشمی رفسنجانی معرفی شده بود، چرا نباید باور کرد که احمدی‌نژاد به همان شکلی که هاشمی را با اختلاف زیاد شکست داده بود، همین نتیجه را در برابر موسوی نیز به دست آورده باشد؟

پیش از انتخابات ایران، کنت تیمرمن، یکی از نئومحافظه‌کاران در نوشته‌های خود فاش ساخته بود که "انقلاب رنگینی" در حال سازماندهی است. او نوشته بود: "صحبت‌هایی از انقلاب سبز" در تهران وجود دارد. چرا قبل از این که نتیجه انتخابات اعلام شود، اعتراضات را سازماندهی کردند؟ پاسخ اولیه به انتخابات مشکوک نمی‌تواند اعتراضات از قبل هماهنگ شده باشد. سازمان تیمرمن، "بنیاد دموکراسی"، که زیر مجموعه‌ای از بنیاد ملی دموکراسی NED است، در جهت تشویق دموکراسی آمریکایی در ایران تأسیس شده است. بر اساس اظهار تیمرمن، NED به گروه‌های طرفدار موسوی که با گروه‌های غیردولتی خارج از ایران در ارتباط بودند کمک مالی می‌کند، ولی رسانه‌های جمعی آمریکا تمام این واقعیت‌های تعیین‌کننده را نادیده گرفتند. این رسانه‌ها تحلیل‌های واقع‌بینانه ارایه نمی‌دهند. آنها جنگ تبلیغاتی علیه دولت ایران را در پیش گرفته‌اند. ما می‌دانیم که آمریکا تروریست‌های خارج از ایران را سازماندهی می‌کند که این گروه‌ها عملیات تروریستی نظیر بمب‌گذاری و دیگر حملات را انجام می‌دهند. پس احتمال این نیز می‌رود که این تروریست‌ها، اقداماتی مانند آتش زدن اتوبوس و دیگر عملیات‌های تخریبی اعتراضات تهران را برعهده داشته باشند. یکی از نویسندگان نوشته بود که از ظهور ده‌ها هزار تهمت مبنی بر تقلب در انتخابات در توییتر متعجب شده است. بررسی‌های او نشان می‌داد که تمام کاربرهای مورد استفاده، تنها از روز بعد از انتخابات شروع به فعالیت کرده بودند. او همچنین به مطلبی که در روزنامه جرورال پست در روز 14 ژوئن، مدعی نقش اسرائیلی‌ها در این زمینه شده بود، اشاره کرده است. چرا جوانان دیگر نقاط دنیا که به موضوع تقلب انتخاباتی در هر جای دیگر دنیا بی‌تفاوت هستند، نسبت به رویدادهای اخیر ایران حساسیت نشان می‌دهند؟

تیری میسان، تحلیل‌گر مشهور غربی که کتاب‌های او درباره 11 سپتامبر و معماهای پیرامون آن وی را به شخصیتی مشهور تبدیل کرد، نیز دریافت مشابهی با آن چه که پل رابرتز ارایه کرد، دارد. وی طبق مقاله‌ای که در پایگاه اینترنتی "ولترنت" نوشت، "انقلاب سبز" تهران را جدیدترین نسخه از "انقلاب‌های رنگی" دانست. انقلاب‌هایی که آمریکا را قادر ساخته بدون نیاز به استفاده از زور، در چندین کشور حکومت‌های دست‌نشانده خود را بر سر قدرت آورد. میسان که "انقلاب‌های رنگی" را اصولاً "انقلاب" نمی‌داند تاکنون به دو کشور مواجه با این بحران مشاوره داده است. او درباره انقلاب‌های رنگی می‌نویسد: آنها انقلاب به نظر می‌رسند، زیرا قشرهای وسیعی از جمعیت را بسیج می‌کنند، اما به "به دست‌گیری قدرت" بیشتر شبیه هستند، زیرا هدف آنها تغییر ساختارهای اجتماعی نیست. آنها امیدها را به سمت جایگزینی یک طبقه حاکم با طبقه دیگر، جهت اجرای سیاست‌های خارجی و اقتصادی طرفدار آمریکا هدایت می‌کنند. به نظر میسان مکانیسم اصلی "انقلاب‌های رنگی" عبارت است از متمرکز ساختن خشم مردمی بر روی اهداف مورد نظر. این جنبه‌ای از روانشناسی توده‌ها است که همه چیز را در مسیرش نابود می‌کند و هیچ استدلال منطقی یارای ایستادن در برابر آن را ندارد. کسی که دیوارش از همه کوتاه‌تر است، حداقل برای یک نسل به خاطر همه مصیبت‌هایی که گریبان کشور را گرفته‌اند، سرزنش خواهد شد. تیری میسان پس از آن که به کشورهای مختلفی که تجربه انقلاب‌های رنگی را از سر گذرانده‌اند اشاره می‌کند، به موضوع ایران می‌پردازد. او در تبیین این مسئله می‌نویسد: ابتدا در سال 2007 یک بودجه چهارصد میلیون دلاری از سوی کنگره برای سازماندهی یک "تغییر رژیم" در ایران به تصویب رسید. این علاوه بر بودجه‌های USAID، NED، سیا و دیگران بود. به اعتقاد وی دولت بوش پس از تأیید تصمیم اتخاذ شده از سوی ستاد مشترک ارتش مبنی بر عدم انجام حمله نظامی به ایران، تصمیم گرفت یک انقلاب رنگی در ایران راه بیندازد. این گزینه سپس مورد تأیید دولت اوباما قرار گرفت. میسان سابقه این طرح را به سال 2002 مربوط می‌داند و افرادی مانند مایکل لدین را از فعالان اولیه این طرح برمی‌شمرد. او که در این مقاله به دلایل شکست انقلاب رنگی در ایران نظر داشت، می‌نویسد: "این پروژه شکست خورد، زیرا موسوی و اغتشاش‌گران نتوانستند محمود احمدی‌نژاد را در کانون خشم مردم قرار دهند. مردم ایران در تله نیفتادند، آنها احمدی‌نژاد را مسئول تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران نمی‌دانستند. بنابراین تظاهرات به تهران محدود شد.

حکومت از برپایی تظاهرات در مقابل تظاهرات مخالفان خودداری کرد و اجازه داد توطئه‌گران خودشان را افشا کنند. با این حال، باید توجه کرد که تبلیغات در رسانه‌های غربی موفقیت‌آمیز بود. افکار عمومی جهان واقعاً باور کرده بودند که دو میلیون ایرانی به خیابان‌ها ریختند، در حالی که رقم واقعی ده برابر کمتر بود. "تیري میسان، مقاله‌اش را با این پرسش به پایان می‌برد که پس از چشم‌پوشی از جنگ و ناکامی در سرنگونی حکومت ایران، چه گزینه دیگری برای بارک اوباما باقی مانده است؟" (9)

کمترین دستاوردی که آشوب‌ها و مسایل پس از انتخابات می‌توانست برای آمریکا داشته باشد، کشاندن ایران به موضع انفعالی و تغییر در رفتار سیاست خارجی ایران بود. هیلاری کلینتون، وزیر خارجه آمریکا در مصاحبه‌ای با خبرنگاران در روزهای پس از انتخابات ایران ضمن آن که تأکید کرد، دولت اوباما گفت‌وگو با ایران در خصوص مسئله هسته‌ای و دیگر مسایل را بدون توجه به این که چه کسی پیروز انتخابات ایران است دنبال خواهد کرد، اما افزود: ما منتظریم نتیجه روندهای داخلی را ببینیم. کلینتون گفت: هدف ما دنبال کردن هر فرصتی است که ممکن است در آینده در رابطه با ایران برای گفت‌وگو درباره مسایل بزرگ وجود داشته باشد. او با ایراد اتهامات علیه ایران گفت: ما قصد داریم تعامل را دنبال کنیم، زیرا فکر می‌کنیم این به نفع آمریکا و جامعه جهانی است که با دولت ایران در خصوص موضوعات مهمی نظیر نیت‌شان در برنامه هسته‌ای، حمایت‌شان از تروریسم و دخالت‌شان در امور همسایگان و دیگر کشورها مذاکره کنیم. کلینتون به گفت‌وگوهای آمریکا با اتحاد جماهیر شوروی در جنگ سرد اشاره کرد که در آن هم آمریکا گفت‌وگو با دشمنانش را منطقی می‌دانست. (10)

اما روزنامه "بوستون گلوب" آمریکا نیز درباره دلایل حمایت کاخ سفید از آشوبگران می‌نویسد که دولت اوباما امیدوار است حوادث پس از انتخابات و افزایش شکاف در ایران، منجر به امتیازدهی جمهوری اسلامی به آمریکا شود. مقامات آمریکایی از دولت بوش تا به امروز بارها تأکید کرده‌اند که ایران در مذاکرات هسته‌ای و مسایل منطقه‌ای دست برتر را داشته و تا وضعیت بدین نحو است، توقع مذاکره مؤثر، با هدف امتیازگیری از ایران احمقانه و مضحک است. آنها به همین دلیل با تدارک اغتشاش درصدد برآمدند برای میز مذاکره برگ برنده‌ای در دست داشته باشند. اما با وجود انتحار افراطیون، این برگه هم با اقتدار جمهوری اسلامی و هوشیاری ملت ایران سوخت و خاکسترش برای غرب و آمریکا باقی ماند. حتی برخی وضعیت فعلی را برای غرب سخت‌تر از گذشته ارزیابی می‌کنند. همکاری آمریکا و غرب با اصلاح‌طلبان افراطی در آشوب‌های خیابانی در حالی به اوج رسید که در چالش هسته‌ای نیز مقامات دولت بوش بارها اعلام کردند به کمک اصلاح‌طلبان توانسته بودند، تمام فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به تعطیلی بکشاند، اما روی کار آمدن دولت اصولگرا همه چیز را به هم ریخت، بوش به همین دلیل از حمایت صریح خود از اصلاح‌طلبان در ایران خبر داده بود و اوباما نیز همان رویه را به شیوه‌ای پنهان‌کارانه‌تر ادامه می‌دهد. (11)

به عبارت دیگر آمریکا در دوره جدید ترجیح می‌دهد علاوه بر بهره‌گیری از برچسب‌هایی چون "حمایت از تروریسم" و "سلاح هسته‌ای" و "به خطر افتادن امنیت جهانی" از برگ و انگ "نقض حقوق بشر" نیز بهره بیشتری ببرد. همچنان که "توماس فریدمن" مقاله‌نویس روزنامه "نیویورک تایمز" می‌نویسد: "اگر مسائل حقوق بشری را مورد توجه قرار ندهیم، پیام ما به مردم ایران این است که شما برای ما اهمیت ندارید و تنها سلاح هسته‌ای مهم است. با علم به این که این تنها دست ایرانی‌ها است تا تاریخ خود را تغییر دهند، ما نمی‌توانیم بیش از آن چه آن‌ها می‌خواهند انجام دهیم." فریدمن همچنین ادعا می‌کند که اکنون پس از انتخابات خرداد ماه ایران، گروهی که دولت را در دست دارد چندان از حمایت مردمی و روشنفکران جامعه برخوردار نیستند. اکنون محمود احمدی‌نژاد نمی‌تواند صدای مرگ بر آمریکا را بلندتر از مرگ بر دیکتاتور بشوند. اکنون تحریم‌های بیشتر علیه ایران نه تنها زندگی سیاسی در ایران را با فاجعه مواجه خواهد کرد، بلکه به طور قطع از نظر اقتصادی نیز فاجعه‌ای در پیش خواهد بود. از نگاه فریدمن، جرج بوش با اهریمن‌نمایی "اقتدارگرایان" در خاورمیانه به آن‌ها امکان مقابله به مثل داد، اما اوباما با استفاده از قدرت مخملي باعث شده است که [برچسب] آمریکایی دیگر توهین نباشد. (12)

روزنامه نیویورک‌تایمز در جهت افشای برخی مداخلات دولت اوباما در حوادث و آشوب‌های پس از انتخابات دهم به يك سند اشاره می‌کند. این روزنامه در گزارش خود می‌نویسد: "روز دوشنبه (25 خرداد 1388) يك کارمند ارشد وزارت خارجه آمریکا با ارسال ایمیلی به مدیران شبکه اجتماعی توئیتر خواهان به تعویق انداختن تعمیرات برنامه‌ریزی شده این پایگاه اینترنتی شد تا از این طریق مخالفان بتوانند بدون وقفه اطلاعات لازم درباره تظاهرات خیابانی را بین خود و جهان خارج رد و بدل کنند. "پی. جی. کراولی" معاون امور ارتباطات وزارت خارجه آمریکا در این باره گفت: "درخواست ما از توئیتر این بود: شما در این زمان حساس نقشی مهم در ایران ایفا می‌کنید، آیا می‌توانید به کار خود ادامه دهید؟ براساس این گزارش توئیتر روز شنبه بعد با تبعیت از درخواست مذکور اعلام کرد: "عملیات به روزرسانی پایگاه خود را به تعویق انداخته چون شرکای آن در حال حاضر بر نقش توئیتر به عنوان يك ابزار مهم ارتباطی در ایران صحنه گذاشته‌اند." در همین حال پایگاه اینترنتی "نهرین‌نت" نوشت: دیپلمات‌های آمریکایی در برخی کشورهای حوزه خلیج فارس اقدام به ساماندهی تظاهرات علیه انتخابات ریاست جمهوری ایران با استفاده از مخالفت جمهوری اسلامی کرده‌اند. به گزارش این پایگاه اینترنتی، دیدارهای قبل از انتخابات با هدف رسیدن به روشی برای پوشش رسانه‌ای- سیاسی علیه محمود احمدی‌نژاد برگزار شد و ارتباط این افراد با دیپلمات‌های آمریکایی پس از پیروزی احمدی‌نژاد برای ایجاد آشوب در اوضاع داخلی ایران افزایش یافت. به نوشته نهرین‌نت، پلیس و نیروهای امنیتی امارات متحده عربی و به خصوص در دوبي هیچ‌گونه مخالفتی با انجام تظاهرات در مقابل کنسولگری ایران در این منطقه نکرده‌اند. (13)

همچنین بررسی فعالیت‌های خبری شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان در روزهای پس از انتخابات نشان می‌دهد این شبکه تمام توان خود را جهت بهره‌برداری از اغتشاشات بسیج کرده است. گردانندگان سی‌ان‌ان با قطع برنامه‌های عادی به طور ویژه به انعکاس تحولات ایران پرداخته و با استفاده از تصاویر دریافتی بینندگان که قابل استناد نبود، حتی معیارهای حرفه‌ای انتقال خبر را زیر پا گذاشت. این شبکه حتی پا را فراتر می‌گذارد و به آموزش اغتشاشگران روی می‌آورد. شبکه مزبور در برنامه‌های مختلفی راه‌های هک کردن سایت‌های اطلاع‌رسانی کشور را به بینندگان خود آموزش می‌دهد. همچنین به اصرار از بینندگان می‌خواهد هرگونه فیلم و عکس حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای از اغتشاشات اخیر را جهت بهره‌برداری به آدرس الکترونیکی سی‌ان‌ان ارسال کنند. همچنین سرویس تویوب نیز با تجدید نظر در قوانین خود، نمایش فیلم‌های تحریک‌کننده عواطف و احساسات را مجاز اعلام کرد. از سوی دیگر، "اریک اشمیت" از مدیران گوگل با لحنی تهدیدآمیز علیه ایران می‌گوید: "کشورهایی چون ایران که در تلاش برای اعمال محدودیت بر رسانه‌هایی چون تلویزیون، اینترنت، رادیو و تلویزیون هستند خود را به مخاطره می‌اندازند و مسئولیت این کار با آن‌ها خواهد بود... ما وکلای زیادی داریم که در هر یک از این کشورها فعالیت می‌کنند." (14)

در میان رسانه‌های تأثیرگذار آمریکایی شبکه ماهواره‌ای VOA که زمان زیادی از تأسیس آن نمی‌گذرد، شرایط ویژه‌تری دارد. زیرا این شبکه با داشتن زبان فارسی و استفاده از برنامه‌های حرفه‌ای‌تر نسبت به شبکه‌های ماهواره‌ای یادشده از تأثیرگذاری بالایی برخوردار بود. هفته‌نامه آلمانی "شوایتس" در روزهای تنش و آشوب در تهران طی ویژه‌نامه‌ای موضوع آشوب‌ها را بررسی می‌کند و از نقش آمریکا در شعله‌ور شدن آتش اغتشاش می‌نویسد. این مجله در مقاله‌ای تحت عنوان "ایران؛ آشوب‌ها را آمریکا مدیریت می‌کند" آورده است: تلاش می‌کنند از درون بر ایران تأثیر بگذارند. به همین دلیل اپوزیسیون را به شدت حمایت می‌کنند. مدیریت مطبوعاتی در جهان در خارج از ایران است و نه در داخل آن. مرکز اصلی برای سقوط تهران، در واشنگتن است. 85 میلیون دلار که کابینه بوش برای تغییر رژیم تصویب کرده است، بخش زیاد آن به صدای آمریکا و رادیو فردا پرداخت شده تا برای فراخوان به شورش و برنامه‌سازی خرج کنند. (15)

با گسترش سیاست براندازی نرم توسط دولت اوباما بهره‌گیری از بازی‌های رایانه‌ای نیز از نظر نیفتاده است. پیش از انتخابات شرکت "Kuma" تولیدکننده بازی‌های رایانه‌ای بازی تحت عنوان حمله به ایران را روانه بازار کرد که در آن سربازان آمریکایی به تأسیسات امنی ایران حمله می‌کنند. همین شرکت قبل از حمله آمریکا به عراق و افغانستان، بازی‌های رایانه‌ای که در آن حمله آمریکا به این دو کشور شبیه‌سازی شده بود را تولید کرد و به بازار خاورمیانه فرستاد. از همین رو عرضه بازی حمله به ایران بار روانی سنگینی را به فعالان سیاسی و جامعه تحمیل کرد. اما پس از حوادث انتخابات دهم ریاست جمهوری بازی جدیدی درباره ایران طراحی و روانه بازار شد که کاربران در مراحل مختلف بازی با شیوه‌های براندازی نرم و انقلاب مخملی آشنا می‌شدند. در این بازی که نسخه‌های کپی شده و ارزان آن در سطح کشور عرضه شده بود، کاربر این بازی به عنوان مسئول یک گروه شصت نفره برگزیده می‌شود و با همراهی این شصت نفر به اقدامات براندازانه دست می‌زند، این گروه شصت نفره با روش‌های اغتشاش‌گری، تسخیر شهر، شناسایی نقاط حساس و دیگر اقدامات این چنینی آشنا می‌شود و در نهایت موفق به براندازی حکومت محلی توسط رفتار بدون خشونت می‌شود، یعنی همان روش‌هایی که پیشتر در نظریات افرادی مانند جین شارپ مشاهده کردیم.

اما گذشته از این نسخه‌های بدلی، جین شارپ، که او را پدرخوانده انقلاب‌های مخملی می‌دانند و ده‌ها بار در دانشگاه‌ها روایت می‌کند این موضوع کار کرده است در مصاحبه‌ای با آسوشیئد پرس به ایرانیان مژده داد که مقالات وی به زبان فارسی برای استفاده معترضان در اینترنت وجود دارد. شارپ و برخی شاگردان وی با حمایت از اغتشاشگران اعلام کردند که آن‌ها باید از روش‌های متنوعی استفاده کنند و از دیگر روش‌ها نیز بهره بگیرند و تنها به تظاهرات خیابانی قانع نشوند. "پیتر آکرمان" یکی از بنیان‌گذاران مرکز بین‌المللی مناقشات قهرآمیز در واشنگتن، که در سال 2005 در دومی برای گروه‌های اپوزیسیون فعال ایران جلسات توجیهی برگزار کرده است، گفت: "اگر این حرکت آن‌گونه که تعریف شده است که بیشتر به صورت تظاهرات و اغتشاشات خیابانی علیه پلیس باشد، ممکن است که به زد و خورد‌های خشونت‌آمیز ختم شود یا نشود که این با شکست اپوزیسیون پایان خواهد پذیرفت." همچنین "پاپوویک" از بنیان‌گذاران گروه‌های مقاومت دانشجویی صربستان خطاب به اغتشاشگران ایران گفت: "این معترضان باید خود را برای مدت طولانی مقاومت آماده کرده و از تاکتیک‌هایی با ریسک پایین استفاده کنند."

وی به عنوان نسخه عملیاتی به کاربران سایت توئیتر پیشنهاد کرد چراغ‌های جلوی ماشین خود را به عنوان اعتراض روشن نگه داشته و در کنار خیابان‌ها با بالا گرفتن قرآن، کتاب آسمانی خود، به روی سر اعتراض‌ها را ادامه دهند. البته باید همزمان کارکردهای دیگری همه انجام دهند. وی چند تاکتیک را به اغتشاش‌گران پیشنهاد کرده است: لباس سبز بپوشند و به دادن شعارهای اول انقلاب مبادرت کنند. او معتقد است گرچه شرایط فرهنگی و موقعیت‌ها برای اعتراض متفاوت است، اما اصول یکی است.

مداخلات ایالات متحده در حوادث انتخابات دهم ریاست جمهوری ابعاد گسترده‌تری دارد که برخی از آن‌ها را می‌توان در اعتراضات متهمان آشوب‌های پس از انتخابات نیز به دست آورد. با وجود این، دولت اوباما علاوه بر تخصیص منابع مالی، بسیج رسانه‌ای و مدیریت تشکیلات متکثر و متضاد مخالف ایران، به انجام برخی دیپلماسی‌ها نیز پرداخت. سفر اوباما در تیر 1388 به مسکو از این

جمله است که در آنجا ایران را "تهدید بزرگ" خواند. (16) همچنین همانطور که "جروزالم پست" روزنامه صهیونیستی می‌نویسد دولت اوباما سعی دارد از اسرائیل به عنوان چماقی برای فشار علیه ایران در مذاکرات و مسایل دیپلماسی بهره ببرد. ماجرا از آنجا آغاز شد که "جوزف بایدن" معاون رئیس جمهور آمریکا در یک مصاحبه از استقلال اسرائیل برای نوع روابط با کشورهای دیگر سخن گفت که این بیانات وی در آن مقطع زمانی به منزله چراغ سبز واشنگتن برای حمله اسرائیل به ایران تلقی شد. بایدن در مصاحبه با شبکه تلویزیونی ای‌بی‌اس گفته بود: "آمریکا متعهد به مذاکره هسته‌ای با ایران در چارچوب گروه 5+1 است، اما ما نمی‌توانیم مانع از این شویم که اسرائیل مسیر دیگری را در برابر ایران انتخاب کند. اسرائیل دولتی مستقل است و می‌تواند برای خودش تعیین کند که در مقابل ایران چگونه عمل کند. اگر دولت نتانیاها تصمیم بگیرد مسیر دیگری پیش بگیرد حق مطلق اوست." وی همچنین گفت: "اگر کشوری یقین کند بقایش توسط کشوری دیگر به خطر افتاده، آمریکا نمی‌تواند به آن کشور دیکته کند که چه کار می‌تواند یا نمی‌تواند انجام دهد. بعد از این اظهارات فضای رسانه‌ای ویژه‌ای مبنی بر تحلیل حمله احتمالی اسرائیل به ایران ایجاد شد که بسیاری از مقامات غربی به ناچار درباره آن اظهارنظر کردند. اما پس از مدتی مقامات آمریکایی و از جمله اوباما چنین چراغ سبزی را قویاً انکار کردند و آن را به مصلحت ندانستند." (17) البته وجود چنین سیاست‌هایی در دستگاه خارجی ایالات متحده که سخنانی متضاد از آن خارج شود را چند بار دیگر نیز شاهد بوده‌ایم. به طور مثال جو بایدن روز یکشنبه 24 خرداد در مصاحبه با شبکه تلویزیونی NBC نتایج و اصالت انتخابات ایران را زیر سوال می‌برد و اما از سوی دیگر، پس از انجام مراسم تنفیذ ریاست جمهوری رابرت گیبز سخنگوی کاخ سفید در روز سیزده مرداد اعلام می‌کند که از نظر دولت آمریکا، آقای احمدی‌نژاد رئیس جمهور منتخب مردم ایران است و موضوع مشروعیت دولت احمدی‌نژاد مسئله‌ای داخلی برای ایرانیان است.

ادامه دارد....

\* پی نوشت:

1. "ابراز نگرانی اوباما از برخورد با آشوبگران در تهران"؛ روزنامه کیهان؛ پنجشنبه 28 خرداد 1388.
  2. "اوباما می‌خواهد از ضربه بزرگ برگ برنده بسازد"؛ روزنامه کیهان؛ شنبه 30 خرداد 1388.
  3. "واکنش‌ها به موضع اوباما در قبال انتخابات ایران"؛ روزنامه کیهان؛ شنبه 30 خرداد 1388.
  4. "معاون وزیر جنگ بوش: با موسوی مستقیماً تماس بگیریم"؛ روزنامه ایران؛ پنجشنبه 4 تیر 1388، ش 4244.
  5. جمشیدی، محمد؛ پیشین.
  6. "سیا به دنبال جنگ داخلی در ایران بود"؛ روزنامه ایران؛ پنجشنبه 4 تیر 1388.
  7. "دستیاران ایرانی آمریکا در پروژه القای تقلب"؛ روزنامه کیهان؛ یکشنبه 4 مرداد 1388.
  8. "توطئه علیه انقلاب ایران با دلارهای آمریکایی"؛ خبرگزاری فارس؛ دوشنبه یک تیر 1388؛ کد مطلب 8804010528.
  9. "با شکست انقلاب رنگی در ایران اوباما دیگر چه گزینه‌ای دارد"؛ خبرگزاری فارس؛ 14 مرداد 1388؛ کد مطلب 8805141420.
  10. "هیلاری کلینتون: دولت آمریکا به دنبال گفت‌وگو با ایران است"؛ روزنامه کیهان؛ شنبه 30 خرداد 1388.
  11. "آمریکا امتیازی می‌خواست، اصلاح‌طلبان فراهم کردند"؛ روزنامه کیهان؛ چهارشنبه 21 مرداد 1388؛ ش 19434، ص 2.
  12. "واکنش مقامات و نگاه مطبوعات جهان به انتخابات ایران"؛ پایگاه اینترنتی "رادیو صدای آمریکا"؛ 1388/3/24.
  13. "پیگیری ویژه وزارت خارجه آمریکا برای سازماندهی اغتشاش"؛ روزنامه کیهان؛ پنجشنبه 28 خرداد 1388، ص 2.
  14. "تشکیل اتاق جنگ روانی در CNN علیه ملت ایران"؛ خبرگزاری فارس؛ 3 تیر 1388.
  15. "خط و نشان رئیس گوگل برای ایرانیان"؛ پایگاه اینترنتی جهان نیوز؛ 7 تیر 1388.
  16. "از سوی مجله آلمانی شوایتس صورت گرفت؛ افشاگری نقش آمریکا در مدیریت آشوب‌های تهران"؛ خبرگزاری فارس؛ کد مطلب: 8802201195.
  17. "در جریان سفر به مسکو اوباما ایران را "تهدید بزرگ" خواند"؛ روزنامه کیهان؛ چهارشنبه 17 تیر 1388، ش 19405.
  18. "پشت پرده بازی مشترک آمریکا و اسرائیل"؛ روزنامه کیهان؛ چهارشنبه 17 تیر 1388؛ ش 19405، ص 2.
- منبع: کتاب شورش اشرافیت بر جمهوریت